



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volume: 16 Issue: 39

Summer 2025

Article Type: Research Article

Pages: 227-264

The Scope of the Obligation of the Arbitrator and the Parties to Disclose and Disclose Cases of Conflict of Interest with Emphasis on French Case Law

Jafar Nouri Youshanlou¹ | Sajjad Ghasemi²

1. Associate Professor, Department of Private and Islamic Law, University of Tehran, Iran

2. Ph.D Candidate in private law, University of Tehran, Iran (Corresponding Author) jafamory@ut.ac.ir
sajjadghasemi@ut.ac.ir

Abstract

Disclosure and identification of factors affecting the arbitrator's impartiality and independence are essential to ensure fair proceedings and prevent the annulment of the arbitrator's award. The obligation to disclose refers to the announcement of factors affecting the conflict of interest, and the obligation to discover, as a preamble to the obligation to disclose, means researching and searching for the existence of factors affecting the conflict of interest. Although achieving this goal requires the cooperation of all participants in the arbitration process, a study of the laws and procedures indicates that the scope of the obligation of the arbitrator and the parties to the dispute in this regard is not the same. This study, to determine the scope of commitment of each participant in the arbitration, has concluded, using an analytical method and using the teachings of comparative study and especially French judicial precedent, that while the arbitrator, due to the commitment to independence and impartiality, is obliged to try to discover and disclose the factors affecting the conflict of interest in general at all stages of the arbitration, the parties are only obliged to investigate to identify these factors at the stage of appointing the arbitrators and the initial deadline for challenge. This obligation is limited to examining publicly available information.

Keywords: Duty of arbitrator, Impartiality, Independence, Disclosure, Conflict of Interest, Arbitrator Challenge.

Received: 2024/12/24

Received in revised form: 2025/07/06

Accepted: 2025/07/23

Published: 2025/09/09

DOI: 10.22034/law.2025.65150.3440

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir





دامنه تعهد داور و طرفین در افشا و شناسایی موارد تعارض منافع، با تأکید بر رویه قضایی فرانسه

جعفر نوری یوشانلو^۱ | سجاد قاسمی^۲

jafarnory@ut.ac.ir
sajjadghasemi@ut.ac.ir

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

افشا و شناسایی عوامل مؤثر بی‌طرفی و استقلال داور از موارد ضروری جهت تضمین رسیدگی منصفانه و جلوگیری از ابطال رأی داور است. تعهد به افشا ناظر بر اعلام موارد مؤثر بر تعارض منافع و تعهد به شناسایی به‌عنوان مقدمه تعهد به افشا، به معنای تحقیق و جست‌وجو نسبت به وجود عوامل مؤثر بر تعارض منافع است. اگرچه تأمین این هدف مستلزم همکاری همه مشارکت‌کنندگان در فرایند داوری است، اما مطالعه قوانین و رویه‌ها نشان‌دهنده این امر است که دامنه تعهد داور و طرفین اختلاف در این زمینه یکسان نیست. این پژوهش با هدف تعیین دامنه تعهد هریک از مشارکت‌کنندگان در داوری، با روش تحلیلی و با بهره‌جستن از آموزه‌های مطالعه تطبیقی و به‌ویژه رویه قضایی فرانسه، به این نتیجه رسیده است درحالی که داور به‌واسطه وجود تعهد به استقلال و بی‌طرفی، در تمام مقاطع داوری موظف به تلاش برای شناسایی و نیز افشای عوامل مؤثر بر تعارض منافع به شکل عام است، طرفین صرفاً در مقطع نصب داوران و مهلت اولیه جرح، موظف به تحقیق برای شناسایی این عوامل اند و این تعهد محدود به بررسی اطلاعات قابل دسترس به‌طور عمومی است.

واژگان کلیدی: استقلال، افشا، بی‌طرفی، تعارض منافع، تعهد داور، جرح داور.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸

DOI: 10.22034/law.2025.65150.3440



law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

رسیدگی مستقل و بی طرف، ضرورتی بنیادین جهت تضمین مشروعیت داورى به عنوان یک فرایند کارآمد در حل و فصل اختلافات است. منظور از استقلال داور، عدم وابستگی او به یکی از طرفین اختلاف به واسطه روابط حرفه‌ای، تجاری یا شخصی است که معمولاً معیاری عینی دارد و بی طرفی نیز ناظر بر عدم جانب‌داری یا تمایل ذهنی داور به یکی از طرفین است که با معیار شخصی شناسایی می‌شود.^۱ حفظ استقلال و بی طرفی داور مستلزم بار کردن تعهدات و تکالیف مختلفی به داور است که از جمله آن، تعهد به شناسایی و افشای وقایع و اوضاع و احوالی است که می‌تواند موجب تردید در بی طرفی و استقلال داور شود. این تعهد در قوانین ملی داورى و قواعد داورى سازمانی به طور گسترده تصریح شده است. در نقطه مقابل، گاه طرفین داورى نیز تکالیفی در این زمینه دارند. برای مثال، اصول راهنمای تعارض منافع در داورى تجاری بین‌المللی که از سوی قانون بین‌المللی وکلا منتشر شده^۲، طرفین را ملزم به شناسایی و افشای عوامل مؤثر بر تعارض منافع دانسته است. به همین ترتیب در رویه قضایی فرانسه نیز ذیل عنوان استثنای اطلاعات قابل دسترس و عمومی^۳ یا تعهد به کنجکاوی^۴، در مواردی طرفین اختلاف را به تحقیق و شناسایی جهات مؤثر بر بی طرفی و استقلال ملزم دانسته‌اند.

مسئله مهمی که باید به آن پرداخته شود این است که نسبت تعهدات داور و طرفین در این زمینه چیست. این مسئله از نظر اثر عملی دارای اهمیت بسیار بالاست. امکان جرح داور یا طرح دعوای ابطال رأی به علت وجود جهات جرح یا تشکیل غیرمنظم و غیرصحیح دیوان داورى منوط به این است که طرفین ظرف مهلت معینی از تشکیل دیوان داورى و یا اطلاع از وجود جهات جرح، اقدام مقتضی را به عمل آورند. در مواردی که داور تعهد به افشا و شناسایی را به درستی انجام ندهد و در نتیجه طرفین از وجود عوامل مؤثر بر تعارض منافع مطلع نشده، در آینده چنین مواردی کشف شود، همچنان حق بر جرح باقی خواهد ماند. اما اگر بر این عقیده باشیم که طرفین خود ملزم به تحقیق از این عوامل بوده‌اند، به رغم عدم افشا از سوی داور،

۱. همایون مافی، بهزاد قوامی و سام محمدی، «استقلال و بی طرفی داور در داورى‌های بین‌المللی با تکیه بر آرای قضایی»، تحقیقات حقوقی، ش ۲۵، ۱۴۰۱، ص ۴۱ و ۵۰.

۲. IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration 2024.

۳. L'exception de Notoriété.

۴. L'obligation de Curiosité.

امکان جرح داور یا ابطال رأی در آینده وجود نخواهد داشت؛ چراکه طرفین باید به محض معرفی داوران یا نصب آنان، مبادرت به تحقیق در خصوص روابط پیشینی و مناسبات داوران با طرف مقابل کرده، در صورت شناسایی موارد مشکوک، حق خود در زمینه جرح داور را در موعد تعیین شده اعمال کنند. بر این اساس باید مشخص شود که دامنۀ تعهد داور و طرفین در این زمینه تا چه حد است و چه نسبتی بین آن برقرار است و در چه مواردی طرفین نیز مکلف به شناسایی این عوامل اند و عدم انجام این شناسایی می‌تواند چه اثری بر حق آنان در آینده بگذارد. اگرچه اصل تعهد داور به افشا موضوع پژوهش‌هایی بوده^۵، اما نسبت آن با تعهد طرفین در این زمینه مورد بررسی دقیقی قرار نگرفته است.

در این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش‌های پیش‌گفته و با بهره‌گیری از روش تحلیلی و مطالعه تطبیقی و به‌ویژه بررسی رویکرد رویۀ قضایی فرانسه، ابتدا مفهوم تعهد به افشا از سوی داور مورد مطالعه قرار خواهد گرفت، سپس تعهد داور به شناسایی عوامل مؤثر بر تعارض منافع بررسی و در ادامه به ترتیب دو تعهد فوق در خصوص طرفین بحث می‌شود و پس از شناخت مفهوم، مبنا و آثار این تعهدات، دامنۀ آن و نسبت تعهد داور و طرفین تبیین خواهد شد.

۱. تعهد داور به افشا

با توجه به اهمیت بالای بی‌طرفی داور در فرایند رسیدگی، ضروری است تا داور اقدامات لازم جهت تضمین این بی‌طرفی را به‌عمل آورد. یکی از این اقدامات مهم که در قالب یک تعهد خاص - که از لوازم تعهد به بی‌طرفی است - شناخته می‌شود، تعهد داور به افشای وقایع، روابط و اوضاع و احوالی است که می‌تواند از دید طرفین یا شخص ثالث بر بی‌طرفی داور تأثیرگذار باشد. در ادامه مفهوم، دامنه و آثار این تعهد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۱. تعریف

تعهد به افشا به این معناست که داور باید همه روابط یا عواملی را که ممکن است از دید طرفین بر بی‌طرفی یا استقلال وی مؤثر باشد، افشا کند. تا در صورتی که طرفین به این نتیجه برسند که داور دارای ارتباطاتی با طرف دیگر اختلاف، وکلای آنان و یا داور دیگر است که بر

۵. بهرام تقی‌پور، «تعهد به افشا در حقوق دآوری تجاری بین‌المللی و داخلی»، مطالعات حقوق خصوصی، ش ۴۶ (۱۳۹۵)، ص ۳۸۱-۳۹۸.

بی‌طرفی یا استقلال او اثر خواهد گذاشت، از حق خود جهت جرح داور استفاده کنند.^۶

باید توجه داشت که موضوع تعهد به افشا ناظر بر دو عنصر اصلی رسیدگی منصفانه و مشروع، یعنی استقلال و بی‌طرفی است. اگرچه گاه این دو مفهوم در معنایی مترادف به کار می‌روند، اما دارای تفاوت‌هایی هستند. استقلال ناظر بر نبود ارتباط قبلی یا فعلی بین داور و طرفین قبلی است که می‌تواند از نوع تجاری، کاری، خانوادگی و... باشد. درحالی که بی‌طرفی به معنای این است که داور نباید نسبت به یکی از طرفین دعوا یا خواسته او نظر خاص داشته و در استماع دعوا و بررسی ادله، امور موضوعی و حکمی تبعیض یا جانب‌داری نشان دهد.^۷ به بیان دیگر، استقلال ناظر بر روابط داور و طرفین است، اما بی‌طرفی ناظر بر نوع و رویکرد حاکم بر رسیدگی است.

مسئله اصلی در تعهد به افشا این نیست که وجود چنین روابطی لزوماً به جانب‌داری داور منجر خواهد شد، بلکه هدف ایجاد این حق برای طرفین است که اگر وضعیت موجود را موجب نقض بی‌طرفی داور می‌دانند، در همان ابتدای مسیر، داور را جرح کرده، بعدها زمینه‌ای برای ابطال رأی داور به علت کشف چنین روابطی وجود نداشته باشد.^۸ به بیان دیگر، نفس وجود تعارض منافع نیست که در داور چالش‌برانگیز است، بلکه عدم مدیریت صحیح تعارض منافع است که مشروعیت رسیدگی و پذیرش نتیجه را به خطر می‌اندازد و افشای عوامل مؤثر در این زمینه موجب تحکیم اعتماد طرف‌ها به فرایند داور از طریق باور به صداقت داور و یا اعمال حق جرح در آغاز فرایند و یا حتی عدم دعوت چنین داور خواهد شد.^۹ بر این اساس، تعهد به افشا دارای یک اثر پیشگیرانه مهم نسبت به ازدست رفتن مشروعیت رسیدگی به علت تعارض منافع خواهد بود.^{۱۰}

6. Daniel Cohen, "Indépendance des Arbitres et Conflits D'intérêts", *Revue de L'arbitrage*: Bulletin du Comité Français de L'arbitrage, No. 3, (2011), p. 629.

۷. همایون مافی، شرحی بر قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران، (تهران: دانشگاه علوم قضایى و خدمات ادارى، ۱۳۹۷)، ص ۱۷۱ و ۱۷۳.

8. Ahmed Sadek El-Kosheri, & Karim A. Youssef, *L'indépendance des Arbitres Internationaux: le Point de Vue D'un Arbitrer*, (Paris: ICC, 2007), p. 50.

9. Constance Castres Saint-Martin, "Les Conflits D'intérêts en Arbitrage Commercial International", *Revue de Droit International*, No. 1 (2018), p. 179.

10. Jérôme Ortscheidt & Christophe Seraglini, *Droit de L'arbitrage Interne et International*, (Paris: LGDJ, 2019), No. 745.

صالح خدری، «دادرسى منصفانه در داورى تجارى بین‌المللى»، مطالعات حقوق تطبیقى، ش ۲ (۱۳۹۴)، ص ۵۳۲.

تعهد داوران به افشا به واسطه اهمیت آن در تضمین یک رسیدگی منصفانه و بی طرفانه، دارای خصیصه مرتبط با نظم عمومی است^{۱۱} و امکان اسقاط آن از سوی طرفین وجود ندارد^{۱۲}. همچنین تعهد داور به افشا، یک اصل ماهوی حقوق داوری محسوب شده، صرف نظر از حقوق حاکم بر جنبه آیینی، باید مبنای عمل قرار گیرد^{۱۳}.

۲.۱. تعهد به افشا در قوانین ملی و مقررات داوری

مسئله تعهد به افشا، چه در قوانین ملی و چه در قواعد داوری سازمانی، مورد توجه قرار گرفته است. باید توجه داشت که اگر تعهد داور به افشا بر اساس قانون مقر داوری ضروری باشد، در این صورت مبنای این تعهد، حکم قانون خواهد بود. گاه نیز مقررات داوری سازمانی که مورد توافق طرفین و داوران قرار می گیرد، چنین الزامی را برای داور ایجاد خواهد کرد که جنبه قراردادی خواهد داشت. به هر روی، امروزه الزام داور به افشای اموری که می تواند از نگاه طرفین بر بی طرفی وی مؤثر باشد، در نظام های حقوقی و سازمان های داوری، تعهدی شناخته شده و دارای اهمیت تلقی می شود^{۱۴}.

۱.۲.۱. حقوق ملی

در قوانین داوری برخی نظام های حقوقی به صراحت تعهد داوران به افشا مورد پذیرش قرار گرفته که یک نمونه آن کشور فرانسه است که در بند دوم از ماده ۱۴۵۶ قانون آ.د.م فرانسه تعهد به افشا تصریح شده است^{۱۵}. اهمیت افشای کامل و دقیق روابط پیشینی داور با طرفین، در رویه

۱۱. سمیرا محمدی نژاد، علی غریبه و حسن پاشازاده، «محدودیت های آزادی اراده طرفین در تعیین قانون حاکم بر آیین داوری تجاری بین المللی»، مطالعات حقوقی تطبیقی معاصر، ۱۲(۲۴)، ۱۴۰۰، ص ۱۴۹.

12. Jean-Baptiste Racine, *L'arbitrage du Commerce International et L'ordre Public*, (Paris: LGDJ, 1999), p. 62.

13. Emmanuel Gaillard, *Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial Arbitration*, (New York: Kluwer Law International, 1999), p. 578.

14. Marie Schurmans, *L'indépendance et l'impartialité de L'arbitre: Entre Apparence et Réalité*, Faculté de Droit et de Criminologie, (Université Catholique de Louvain, 2017), p. 8.

15. Article 1456: "Il appartient à L'arbitre, Avant D'accepter sa Mission, de Révéler Toute Circonstance Susceptible D'affecter son Indépendance ou Son Impartialité. Il Lui est Également Fait Obligation de Révéler Sans Délai Toute Circonstance de Même Nature Qui Pourrait Naître Après L'acceptation de sa Mission".

«داور پیش از قبول مأموریت خود، هر اوضاع و احوالی را که ممکن است بر بی طرفی یا استقلال او اثرگذار باشد باید افشا کند. داور باید هر شرایطی را که چنین ویژگی ای داشته و پس از قبول مأموریت وی ایجاد شده است نیز بدون تأخیر افشا نماید».

قضایی فرانسه نیز مورد تأکید قرار گرفته و این تکلیف مقدمه اعمال حق بر جرح داور دانسته شده است.^{۱۶}

نمونه دیگر از تصریح قوانین به تعهد به افشا در کشورهای دیده می‌شود که قانون داورى خود را بر مبنای قانون نمونه آنسیترال تنظیم کرده‌اند. بند نخست از ماده ۱۲ قانون نمونه آنسیترال (مصوب ۱۹۸۵ اصلاح شده در ۲۰۰۶) مقرر داشته است که شخص در شرف نصب به عنوان داور باید هر اوضاع و احوالی را که احتمالاً به تردیدهای قابل توجیه در خصوص بی‌طرفی یا استقلال او می‌انجامد افشا کند و این تکلیف در طول فرایند داورى استمرار خواهد داشت.^{۱۷}

از جمله قوانین متأثر از قانون نمونه، قانون داورى تجارى بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ ایران است که در بند دوم ماده ۱۲ به چنین تعهدی پرداخته است.^{۱۸}

در برخی کشورها، تعهد به افشا از سوی داوران در قوانین داورى تصریح نشده، اما چنین تعهدی در عمل مورد پذیرش قرار گرفته است. برخی کشورها این تعهد را از لوازم افزایش مشروعیت نهاد داورى از طریق تضمین شفافیت و اعتماد دانسته، بر این مبنا داوران را به افشای ارتباطات و مناسبات خود با طرف‌های درگیر داورى مکلف می‌دانند. از جمله این کشورها، نظام حقوقی امریکا است که در قانون داورى فدرال (FAA) اشاره‌ای به تعهد به افشا نشده اما آرای متعددی این تکلیف را لازم دانسته‌اند.^{۱۹} در قانون داورى مصوب ۱۹۹۶ انگلستان نیز تصریحی به تعهد به افشا نشده و در گذشته نیز رویه قضایی در این خصوص تردید داشته است، اما در آرای جدیدتر این تعهد پذیرفته شده است. برای مثال، در یک رأی، داور این موضوع را که چندین بار

16. Cour de Cassation, Civile, Chambre Civile 1, 20 Octobre 2010, 09-68.997.

17. When a Person is Approached in Connection with His Possible Appointment as an Arbitrator, He Shall Disclose any Circumstances Likely to Give Rise to Justifiable Doubts as to His Impartiality or Independence. An Arbitrator, From the Time of His Appointment and Throughout the Arbitral Proceedings, Shall without Delay Disclose Any Such Circumstances to the Parties Unless they have Already been Informed of Them by Him.

۱۸. «شخصی که به عنوان داور مورد پیشنهاد قرار می‌گیرد، باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی‌طرفی و استقلال او می‌شود، افشا نماید. داور باید از موقع انتصاب به عنوان داور و در طول جریان داورى نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تأخیر به طرفین اطلاع دهد، مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد».

19. Applied Indus. Materials Corp. v. Ovalar Makine Ticaret ve Sanayi, AS, 2006 U.S. Dist.

از سوی یکی از طرفین اختلاف به داوری انتخاب شده، افشا نکرده و بر همین مبنا رأی ابطال شده است. در این رأی، تعهد به افشا به عنوان یکی از تعهدات فرعی ناشی از لزوم بی طرفی داور مورد تأکید قرار گرفته است.^{۲۰}

در مقابل، برخی کشورها همچون سوئیس نیز اگرچه قانون گذار در قوانین داوری به تعهد به افشا اشاره‌ای نکرده، اما رویه قضایی چنین تعهدی را بر داوران بار نموده است؛ با این تفاوت که این تعهد دارای مبنای قراردادی بوده، داوران در هنگام پذیرش داوری، یک تکلیف قراردادی مبنی بر افشای اطلاعات مؤثر بر تصمیم طرفین در انتخاب یا عدم انتخاب و یا جرح داوران دارند.^{۲۱}

در خصوص موضع قانون آ.د.م ایران باید گفت، در متن قانون اشاره‌ای به تعهد به افشا و حتی خود اصل بی طرفی و استقلال نشده است. برخی نویسندگان اظهار داشته‌اند از ملاک ماده ۴۶۹ این قانون که تراضی طرفین در انتخاب داور را در مواردی که تعارض منافع وجود دارد لازم دانسته است، می‌توان چنین استنباط کرد که هرگاه داور این تعارض منافع را افشا نکرده باشد، توافق انتخاب داور غیرنافذ خواهد بود. در نتیجه افشای موارد مؤثر بر عدم بی طرفی و استقلال، از لوازم تراضی طرفین در انتخاب داور بوده، داور به عنوان یک تکلیف قراردادی باید این موارد را افشا کند.^{۲۲} به نظر می‌رسد می‌توان بر این عقیده بود که داوران به طور ضمنی متعهد به افشای عوامل مؤثر بر بی طرفی هستند. مبنای این تعهد ضمنی، انتظار مشروع طرف‌های درگیر با داوری است؛ چراکه داوری، یکی از فرایندهای حل و فصل اختلاف است و از امور بدیهی در چنین فرایندی - که البته با عرف و رویه حاکم بر داوری در دنیا نیز همسو است - اینست که داوران در صورت وجود تعارض منافع یا وجود شبهه در خصوص بی طرفی، باید این امور را به اطلاع طرف‌ها برسانند. این انتظار چه در فرضی که یکی از طرفین دست به انتخاب داور اختصاصی می‌زند و چه در فرض انتخاب داور مشترک و نیز در فروشی که یک نهاد داوری یا دادگاه داور را انتخاب می‌کند، وجود دارد.

20. Halliburton v. Chubb [2018] EWCA Civ 817, 71 (English Ct. App.).

21. Judgment of 14 March 1985, DFT 111 Ia 72, 74 (Swiss Fed. Trib.).

۲۲. بهرام تقی‌پور، «تعهد به افشا در حقوق داوری تجاری بین‌المللی و داخلی»، مطالعات حقوق خصوصی، ش ۴۶ (۱۳۹۵)، ص ۳۸۴.

۲.۲.۱. مقررات نهادهای داوری و فراملی

تعهد به افشا در مقررات داوری نیز مورد توجه بوده است. برای مثال، در بند دوم از ماده ۱۱ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) بیان شده است که داور در هنگام پذیرش داوری باید موارد تعارض منافع را به‌طور کتبی به دبیرخانه مرکز داوری اعلام کند و دبیرخانه نیز این موارد را به اطلاع طرفین اختلاف برساند و مدت زمانی جهت اعلام نظر در اختیار آنان قرار دهد. بند سوم ماده ۱۱ نیز همین تکلیف را در طول فرایند داوری متوجه داور کرده است. در بند ۲۴ از متن یادداشت توضیحی خطاب به طرف‌ها و دیوان داوری درخصوص انجام داوری که آخرین نسخه آن در سال ۲۰۲۱ منتشر شده^{۲۳}، آمده است که طرف‌ها دارای نفعی مشروع در اطلاع کامل از همه وقایع و اوضاع و احوال مرتبط با دیدگاه و رضایت آنان درخصوص بی‌طرفی و استقلال هستند. مورد دیگر، اصول راهنمای تعارض منافع در داوری تجاری بین‌المللی است که از سوی کانون بین‌المللی وکلا منتشر شده که در بند نخست از ماده ۳ به این تکلیف اشاره کرده است.^{۲۴}

تعهد به افشا در داوری‌های سازمانی ایرانی نیز مورد تأکید قرار گرفته که نمونه آن، بندهای دوم، سوم و چهارم از ماده ۱۷ قواعد داوری ۱۴۰۲ مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران است.^{۲۵}

به این ترتیب، آشکار می‌شود که تعهد به افشا از سوی داور، در قوانین ملی و مقررات داوری سازمانی مورد پذیرش قرار گرفته و طبق آن داور باید هر وضعیت، رابطه یا اوضاع و احوالی را که ممکن است از دید طرفین یا ثالث بر بی‌طرفی یا استقلال داور اثرگذار باشد، افشا کند.

23. Note to Parties and Arbitral Tribunals on the Conduct of Arbitration - 01-01-2021.

24. IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration.

۲۵- ۱- «داور» باید ظرف ۷ روز از زمان ابلاغ انتصاب، قبولی خود را اعلام نماید. همچنین، در زمان قبول سمت، اعلامیه‌ای مکتوب مبنی بر بی‌طرفی، استقلال و تخصیص زمان کافی جهت رسیدگی را امضاء کرده و به دبیرخانه «مرکز داوری» تسلیم کند. «داور» مکلف است هرگونه واقعیت یا اوضاع و احوالی را که ممکن است استقلال یا بی‌طرفی او را از نظر یک فرد معقول و متعارف با تردید مواجه سازد، در اعلامیه مذکور بیان کند.

۲- «داور» مکلف است هرگونه واقعیت یا اوضاع و احوال را که در جریان داوری حادث می‌شود و از نظر یک فرد معقول و متعارف، موجب تردید در بی‌طرفی و استقلال او می‌گردد، فوراً و به صورت کتبی به دبیرخانه «مرکز داوری» اعلام نماید.

۳- هرگونه تردید در خصوص تکلیف به افشای واقعیات، اوضاع و احوال و روابط موجود میان «داور» و طرفین باید به نفع افشاء تفسیر شود.

۳.۱. معیارها و قلمرو تعهد به افشا

یکی از مسائل بنیادین در تعهد به افشا این نکته است که داور مکلف به افشای چه مواردی است و چه ملاکی جهت تشخیص عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال وجود دارد. اهمیت این نکته در این است که داوران یک جامعه نسبتاً کوچک را تشکیل می‌دهند که عموماً حقوق‌دان بوده، دارای روابط کاری یا تجاری با فعالان عرصه تجارت هستند و یا در داورهای پیشین تجربه همکاری یا مواجهه با اشخاص متعددی را که ممکن است در داورهای جدید در مقابل آنان قرار گیرند داشته‌اند. با توجه به گستردگی این مناسبات، ضروری است تا دامنه این موضوعات و نیز معیار تشخیص آن مورد بحث قرار گیرد. در ادامه، از مصادیق روابط و اوضاع و احوال ایجادکننده تردید در خصوص بی‌طرفی و استقلال که در قواعد و مقررات داورى سازمانی و نیز اصول راهنمای کانون بین‌المللی وکلا آمده به تفصیل بحث شده و چون مستقیماً به موضوع این پژوهش مرتبط نیست از آن چشم‌پوشی شده است و تمرکز بحث بر نسبت موارد لزوم افشا با جهات جرح داور و نیز معیار تعیین این موارد خواهد بود.

۱.۳.۱. نسبت موارد قابل افشا و جهات جرح داور

افشای عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال به این معنا نیست که لزوماً جهات جرح داور وجود دارد و یا اینکه داور خود را فاقد صلاحیت حرفه‌ای جهت رسیدگی می‌داند، بلکه به این معناست که داور با شفافیت و حسن نیت، هر عامل مرتبط با تعارض منافع را به طرفین اطلاع می‌دهد تا مشروعیت رسیدگی حفظ شده، شبهات و اختلافات در خصوص جرح احتمالی داور در نقطه آغازین رسیدگی و نه پس از پایان فرایند رسیدگی و صدور رأی، حل‌وفصل شود. بر این اساس مواردی که باید از سوی داور افشا شود، دامنه گسترده‌تری نسبت به جهات جرح داور دارد. برای نمونه در حقوق فرانسه، پیش از اصلاحات سال ۲۰۱۱ و در مقررات داورى، تعهد به افشا در ماده ۱۴۵۲ قانون آ.د.م.ف. درج شده بود که مقرر می‌داشت هرگاه داور متوجه یکی از جهات جرح در خود شود، باید طرفین را مطلع کند.^{۲۶} در اصلاحات سال ۲۰۱۱، دامنه تعهد داور به افشا توسعه یافته است؛ چراکه این تعهد محدود به مواردی که از نظر داور، سببی برای جرح وجود دارد نشده است و هر شرایطی که از نگاه ذی‌نفعان داورى، تأثیر احتمالی بر بی‌طرفی داور بگذارد باید از

26. "L'arbitre Qui Suppose en sa Personne une Cause de Récusation Doit en Informer Les Parties".

جانب داور به اطلاع طرف‌ها برسد.^{۲۷} توسعه دامنه تعهد داور در اصلاحات سال ۲۰۱۱ مقررات داوری فرانسه در نتیجه رویکرد رویه قضایی شکل گرفته است. برخلاف آرای قدیمی‌تر^{۲۸}، رویه قضایی به این سمت تحول یافت که هر موضوعی که بتواند به نحو مشروعی موجب تشکیک طرفین در عدم بی‌طرفی و استقلال داور شود، باید بر اساس تعهد به افشا، از سوی داور به طرف‌ها اعلام گردد.^{۲۹}

چنین رویکردی در قانون نمونه آنسیترال نیز قابل مشاهده است. این امر از مقایسه بند نخست و دوم ماده ۱۲ قابل استنباط است؛ چراکه در بند نخست که ناظر بر تعهد به افشاست از اوضاع و احوالی که احتمالاً منجر به تردید در خصوص بی‌طرفی می‌شود سخن به میان آمده، اما در بند دوم که ناظر بر جهات جرح است، واژه احتمالاً دیده نمی‌شود.^{۳۰} نمونه دیگر، مواد هفت و هشت قانون داوری سوئد است.^{۳۱}

از ظاهر عبارات ماده ۱۲ قانون تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ چنین برمی‌آید که موارد لزوم افشا و جهات جرح مشابه هستند؛ چراکه این ماده در بیان این دو دسته، از ادبیات یکسانی (هرگونه اوضاع و احوالی موجب تردید موجه) استفاده کرده است. با این حال با توجه به ماهیت و هدف تعهد به افشا باید بر این عقیده بود که افشا کردن مواردی که حتی با معیارهای رایج جزء جهات جرح در نظر گرفته نمی‌شود، همچنان سودمند بوده، زمینه طرح این موارد در آینده و در نتیجه ابطال رأی را از بین خواهد برد. رویه قضایی کشورهایی که قانون نمونه آنسیترال را مبنای مقررات داوری خود قرار داده‌اند نیز مؤید این برداشت است.^{۳۲}

27. Emmanuel Gaillard, "Commentaire Analytique du Décret du 13 Janvier 2011 Portant Réforme du Droit Français de L'arbitrage", *Ahiars de L'arbitrage*, No. 2 (2011), p. 14.

28. Cour de Cassation, Chambre Civile 2, du 14 Novembre 1990, 89-13.355.

29. Matthieu Moreau-Cucchi, *La Responsabilité Civile de L'arbitre*. (Droit. Université Paris-Saclay, 2021), p. 215.

30. Gary B. Born, *International Commercial Arbitration*, (New York: Kluwer Law International. 2020), p. 2873.

31. Robin Oldenstam, Kristoffer Löf, Alexander Foerster, Azadeh Razani, Fredrik Ringquist and Aron Skogman, *Concise Guide to Arbitration in Sweden*, (Stocholm: Mannheimer Swartling Advokatbyrå, 2019), p. 32.

32. UNCITRAL Digest of Case Law on the Model Law on International Commercial Arbitration, UNCITRAL secretariat, Vienna International Centre, 2012, p. 65.

۲.۳.۱. معیار تشخیص موارد لزوم افشا

در خصوص مواردی که باید از سوی داور افشا شود، دو معیار عینی و شخصی وجود دارد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۲.۳.۱. معیار عینی

در معیار عینی، تأکید بر اوضاع و احوالی است که از دید یک شخص معقول و متعارف می‌تواند بر بی‌طرفی داور اثرگذار باشد. بنابر بند دوم از ماده ۲ اصول راهنمای تعارض منافع قانون بین‌المللی وکلا منتشرشده در سال ۲۰۲۴، داور باید مواردی را افشا کند که از نگاه یک شخص ثالث معقول که از اوضاع و احوال مرتبط با موضوع و طرفین مطلع است، می‌تواند موجب تردیدهایی موجهی در خصوص بی‌طرفی و استقلال داوران شود.^{۳۳} در نتیجه واکنش و رویکرد خاص طرفین اختلاف، مبنایی برای تعیین مواردی که باید مورد افشا قرار گیرد، نخواهد بود. این معیار در مقایسه با معیار شخصی، دامنه تعهد به افشا را محدودتر می‌کند. نمونه چنین رویکردی در قانون نمونه آنسیترا ل قابل مشاهده است. ماده ۱۲ بیان می‌دارد که داور باید اموری را که می‌تواند به تردیدهای موجه در خصوص بی‌طرفی و استقلال منجر شود، افشا کند. تشخیص این تردیدهای موجه نیز بر مبنای رویکرد ذهنی طرفین اختلاف نخواهد بود. بند دوم از ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز با بیان اینکه داور باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی‌طرفی و استقلال او می‌شود، افشا نماید و عدم ذکر نگاه و رویکرد خاص طرفین، معیار عینی را مورد پذیرش قرار داده است. در رویه قضایی کشور آلمان نیز که از جمله کشورهای است که مقررات داوری خود را مبتنی بر قانون نمونه تصویب کرده، گفته شده است که تشخیص وجود تردید در خصوص بی‌طرفی داور همچون تشخیص این امر در مورد قضاات خواهد بود. همان‌طور که نمی‌توان بر اساس معیارهای شخصی و در هر مورد خاص قائل به عدم بی‌طرفی دادرس شد، در مورد داور نیز باید همین نگاه را داشت و از معیارهای عینی و مشخص عرفی بهره جست. البته نباید به اختصاصات داوری و منافع خاص طرفین اختلاف نیز

33. If Facts or Circumstances Exist, or have Arisen Since the Appointment, Which, From the Point of View of a Reasonable Third Person Having Knowledge of the Relevant Facts and Circumstances, Would Give Rise to Justifiable Doubts as to the Arbitrator's Impartiality or Independence.

به کلی بی‌توجهی کرد.^{۳۴} در رویه قضایی انگلستان نیز از مفهوم ناظر مطلع و دارای ذهن منصف^{۳۵} استفاده شده است.^{۳۶}

مسیر تحول حقوق فرانسه نیز به سمت پذیرش معیار عینی بوده است. ماده ۱۴۵۲ پیشین قانون آ.د.م.ف مقرر می‌داشت که هرگاه داور باور داشته باشد که جهات جرح در او وجود دارد باید این موارد را افشا کند. نگارش این ماده به نحوی بود که تشخیص داور بر اساس اوضاع و احوال خاص هر پرونده را مبنا قرار داده بود. با این حال در ماده ۱۴۵۶ جدید قانون آ.د.م.ف اشاره‌ای به تشخیص و عقیده داور نشده و به نحو مطلق از لزوم افشای موارد مؤثر بر بی‌طرفی سخن به میان آمده که نشان‌دهنده حرکت به سمت معیار عینی است.^{۳۷} البته دیوان عالی کشور فرانسه بر این نکته نیز تأکید کرده است که باید ذهنیت طرفین اختلاف نیز مورد توجه قرار گیرد و داور خود را به جای آنان قرار دهد؛ با این پیش‌فرض که طرفین نیز رویکرد معقول و متعارفی در این زمینه خواهند داشت. در نتیجه، رویکرد حقوق فرانسه حالت بینابینی دارد^{۳۸} و به تعبیر شعبه تجارت بین‌المللی دادگاه تجدیدنظر پاریس، معیار عینی با درنظر گرفتن ویژگی‌های خاص هر پرونده باید مبنای تعیین موارد لزوم افشا باشد.^{۳۹}

۲.۲.۳.۱. معیار شخصی

در معیار شخصی، بر انتظارات و رویکرد مدنظر طرفین در تعیین مواردی که لازم است افشا گردد، تأکید می‌شود. با توجه به اینکه داوری شیوه‌ای خصوصی جهت حل‌وفصل اختلاف است و کارآمدی آن در گرو اختیار عمل حداکثری طرفین اختلاف در شکل‌گیری دیوان داوری و تعیین قواعد و آیین است، به‌نظر می‌رسد که معیار شخصی از کارآمدی و تناسب بیشتری با اهداف شیوه‌های جایگزین حل‌وفصل اختلاف برخوردار است. بر همین اساس، ممکن است یکی از

34. UNCITRAL Digest of Case Law on the Model Law on International Commercial Arbitration, UNCITRAL Secretariat, Vienna International Centre, 2012, p. 65.

35. The Fair-Minded and Informed Observer.

36. Porter v. Magill [2002] 2 AC 357.

37. Gary B. Born, *International Commercial Arbitration*, (New York: Kluwer Law International. 2020), p. 2875.

38. Dominique Hascher, "Les Perspectives Françaises Sur le Contrôle de la Sentence Internationale ou Étrangère", *Revue de Règlement de Différends de McGill*, No. 2 (2015), p. 12.

39. no.19/07575, 25 February 2020, Dommo Energia.

طرفین یک رابطه خاص بین داور و یکی از شرکت‌های تابعه گروه شرکت‌های طرف مقابل داوری را دلیلی محکم بر عدم بی‌طرفی داور بداند و انتظار افشای آن را داشته باشد؛ درحالی که با معیار عرفی چنین سطحی از همکاری موجب تردید در خصوص بی‌طرفی داور نمی‌شود.

کارآمدی معیار شخصی موجب شده است تا نهادهای داوری این معیار را جهت تعیین دامنه تعهد به افشا مورد پذیرش قرار دهند. برای مثال در بند دوم از ماده ۱۱ قواعد داوری ICC تصریح شده است که تردیدها درخصوص بی‌طرفی و استقلال داور «از منظر نگاه طرفین»^{۴۰} دارای اهمیت است. همین رویکرد در بند نخست از ماده ۳ اصول راهنمای IBA قابل مشاهده است^{۴۱} و مبنای آن نیز این نکته است که طرفین دارای حق و نفع مشروعی هستند که هر رابطه یا موضوعی که از نگاه آنان بر بی‌طرفی و استقلال مؤثر است به اطلاع آنان برسد.^{۴۲}

با وجود این در بند سوم از ماده ۱۷ قواعد داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران، با تصریح به معیار فرد معقول و متعارف، معیار عینی مورد پذیرش قرار گرفته است. رویکرد مشابهی نیز در ماده ۱۲ قواعد داوری مرکز منطقه‌ای داوری تهران قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد پذیرش مطلق معیار عینی می‌تواند مورد بازنگری قرار گیرد. حتی اگر ابهام معیار شخصی مانع از پذیرش چنین معیاری باشد، می‌توان ترکیبی از معیارهای عینی و شخصی را مورد پذیرش قرار داد که علاوه بر شفافیت، به ویژگی‌های خاص هر داوری نیز توجه شده باشد.^{۴۳}

۴.۱. ضمانت اجرای عدم افشا

عدم افشای مواردی که ذیل تعهد داور به افشا قرار می‌گیرد دارای آثار و ضمانت‌های اجرایی است که به اختصار بررسی می‌شود.

40. "In the Eyes of the Parties".

41. If Facts or Circumstances Exist that May, in the Eyes of the Parties, Give rise to Doubts as to the Arbitrator's Impartiality or Independence, the Arbitrator Shall Disclose Such Facts or Circumstances. - همایون مافی و مهدی فلاح، «تعارض منافع در داوری بین‌المللی با تأکید بر اصول راهنمای کانون بین‌المللی وکلا»، سازمان‌های بین‌المللی، ش ۲ (۱۳۹۲)، ص ۱۶۶.

42. IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration, International Bar Association 2024, p. 8.

۴۳. عبدالله شمس و سید فرهاد بطحانی، «معیار تشخیص استقلال و بی‌طرفی داور»، تحقیقات حقوقی، ش ۷۷ (۱۳۹۶)، ص ۵۵.

۱.۴.۱. جرح داور

جرح داور ضمانت اجرای مستقیم نقض تعهد به افشا نیست؛ چراکه صرف عدم افشا، مبنایی برای جرح داور نخواهد بود. با این حال، عدم افشای عوامل مؤثر بر بی‌طرفی می‌تواند امکان جرح و زمان در دسترس بودن آن را تحت تأثیر قرار دهد. نخست آنکه عدم افشای به‌موقع اوضاع و احوال مؤثر بر بی‌طرفی خود می‌تواند اماره‌ای منفی مبنی بر جانب‌داری یا سوء نیت داور باشد. برای مثال، در رویه قضایی امریکا گفته شده است که عدم افشای به‌موقع و کامل روابط پیشینی داور با طرفین خود می‌تواند به تشکیک در بی‌طرفی و استقلال داور منجر شود.^{۴۴} البته در رویه قضایی فرانسه تأکید شده است که صرف عدم افشا معادل خروج از بی‌طرفی و استقلال نخواهد بود.^{۴۵} اثر دیگر تعهد به افشا این است که معمولاً طرفین با محدودیت زمانی در طرح موارد جرح داور مواجه هستند. برای مثال، ماده ۱۳ قانون نمونه آنسیترال مقرر داشته است که طرفین ظرف ۱۵ روز از تشکیل دیوان داوری یا ۱۵ روز از زمان اطلاع از وجود جهات جرح می‌توانند نسبت به جرح داور اقدام کنند. مهلت یادشده در ماده ۱۴۵۶ قانون آ.د.م.ف یک ماه از زمان افشا یا کشف جهات جرح است. در صورتی که داوران در ابتدای نصب خود یا پیش از آن باید همه امور و روابط مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال خود را افشا کنند و به اطلاع طرفین برسانند، طرفین در آینده قادر نخواهند بود تا با ادعای کشف جهات جرح در مقاطع بعدی داوری مبادرت به طرح موارد جرح داور نمایند. درمقابل عدم افشای این موارد از سوی داور، این امکان را تا انتهای فرایند داوری در مقابل طرفی که از جهت و خروجی احتمالی رسیدگی راضی نیست قرار خواهد داد تا با کشف یا ادعای کشف چنین عواملی، به طرح جهات جرح داور مبادرت نماید.

بند نخست از ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز مقرر داشته است که هر طرف صرفاً به استناد عللی که پس از تعیین داور از آنها مطلع شده، می‌تواند داوری را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند. طبق بند دوم از ماده ۱۳ نیز طرفی که قصد جرح دارد باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ تشکیل دیوان داوری یا اطلاع از اوضاع و احوال مرتبط مبادرت به جرح داور کند و در صورتی که این جرح مورد پذیرش داور قرار نگیرد،

44. HSMV. Corp. v. ADI Ltd., Central District Court for California, United States of America, 8 November 1999, 72 F. Supp. 2d 1122 (C.D. Cal. 1999).

45. Cour D'appel de Paris, Pôle 5 Chambre 16, 17 Mai 2022, n° 53/2022.

ظرف ۳۰ روز باید در دادگاه درخواست خود را مطرح نماید. بر این اساس، اگر داور در ابتدای تشکیل دیوان داور، همه اوضاع و احوال مؤثر بر بی طرفی را افشا کند، عملاً مهلت طرفین برای جرح محدود به ۱۵ روز از افشا خواهد بود. در صورتی که داور به تعهد خود نسبت به افشا عمل نکند، امکان جرح وی در آینده و پس از کشف جهات جرح نیز وجود خواهد داشت.

۲.۴.۱. ابطال رأی داور

صرف عدم افشا از سوی داور نمی تواند به صورت *Ipsa Facto* (به صرف این واقعیت) منجر به ابطال رأی داور شود.^{۴۶} در صورتی که یکی از طرفین پس از صدور رأی داور متوجه وجود جهات جرح در داوران شود، این امکان را خواهد داشت تا به طرح دعوای ابطال رأی داور مبادرت ورزد. برای مثال، ماده ۱۴۹۲ و ۱۵۲۰ قانون آ.د.م.ف، یکی از جهات ابطال رأی داور را عدم تشکیل صحیح و مناسب دیوان داور دانسته است. یکی از مصادیق چنین وضعیتی، داور است که جهات جرح در خصوص او وجود داشته و او طرفین را از این وضعیت آگاه نکرده است و طرف زیان دیده پس از صدور رأی متوجه این امر شده است.^{۴۷} در نتیجه، عدم افشای به موقع اموری که ممکن است در قضاوت طرفین داور در خصوص بی طرفی و استقلال داور تأثیر بگذارد، می تواند از جهات ابطال رأی داور باشد.^{۴۸} دیوان عالی کشور فرانسه در رأیی بیان داشته است که خواهان باید بتواند این امر را اثبات کند که اگر داور امور خاصی را افشا کرده بود موجب ایجاد تردیدهای معقولی در خصوص بی طرفی و استقلال داوران می شد و خواهان تا پس از صدور رأی از این امور مطلع نشده است؛ در چنین صورتی رأی قابل ابطال خواهد بود.^{۴۹}

بند «ز» از عنوان نخست ماده ۳۳ قانون داور تجاری بین المللی ایران یکی از جهات ابطال رأی داور را فرضی که «رأی داور مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داور باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (۶) پذیرفته شده است» دانسته است. بر این اساس، کشف جهات جرح داور پس از صدور رأی در صورتی می تواند جهتی برای ابطال باشد که جرح داور به تأیید دادگاه رسیده

46. Cour de Cassation, Civile, Chambre civile 1, 10 Octobre 2012, 11-20.299.

47. Anissa Boussofara. "Les conflits D'intérêts Dans L'arbitrage International". Infos juridiques: La Revue du Droit, No. 299 (2020), p. 9.

48. Loukas A. Mistelis, *Concise International Arbitration*, (New York: Kluwer Law International, 2015), p. 1181.

49. Cour de Cassation, Civile, Chambre Civile 1, 10 Octobre 2012, 11-20.299.

باشد. با توجه به اینکه طبق ماده ۱۳ این قانون، اعتراض یکی از طرف‌ها در خصوص جرح داور به دادگاه، مانع از ادامه فعالیت داور نخواهد بود، این امکان وجود دارد تا در مدت رسیدگی به درخواست جرح در دادگاه، رأی داوری صادر گردد و پس از آن، رأی دادگاه مبنی بر پذیرش جرح داده شود. در صورتی که پس از پذیرش جرح داور از سوی دادگاه موضوع ماده ۶ داور همچنان در صدور رأی مشارکت مؤثر داشته باشد، رأی داوری قابل ابطال خواهد بود. چنانچه داوری به شکل منفرد باشد و یا اینکه رأی اجماعی صادر نشود و رأی داوری که مورد جرح قرار گرفته است منجر به ایجاد اکثریت شود، مشارکت داور جرح‌شده مؤثر ارزیابی می‌شود.^{۵۰}

در این شرایط، امکان ابطال رأی داور وجود خواهد داشت. در چنین فرضی نیز عدم افشای به موقع جهات جرح و عوامل مؤثر آن و کشف این موارد در مراحل پایانی رسیدگی می‌تواند زمینه‌ساز ابطال رأی داور باشد.

۳.۴.۱. مسئولیت مدنی داور

نقض تعهد به افشا به منزله نقض قرارداد داور با طرفین اختلاف است. بر این اساس، اگر داور نسبت به اموری که در نگاه طرفین بر بی‌طرفی و استقلال وی مؤثر است، آگاهی داشته یا بایستی می‌داشته است، اما نسبت به افشای آن در زمان مناسب اقدام نکند، می‌تواند بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی، مسئول شناخته شود.^{۵۱} بر همین مبنا در حقوق فرانسه، عدم افشای به موقع روابط پیشین از سوی داور می‌تواند به مسئولیت مدنی داور منجر شود. این یک مسئولیت قراردادی است و اثبات تعمد داور ضروری نبوده و تقصیر او در افشای روابط خود می‌تواند کافی باشد.^{۵۲} البته در کشورهای تحت نظام کامن‌لا مثل انگلستان که اصل مصونیت داور مورد تأکید است، گاه اثبات سوء نیت داور در انجام یا عدم انجام وظیفه وی ضروری است. در نقطه مقابل در کشورهای تحت نظام حقوق نوشته امکان مسئولیت مدنی داور در فرض بی‌احتیاطی یا تقصیر سنگین نیز پذیرفته شده است.^{۵۳}

۵۰. همایون مافی، شرحی بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، (تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۷)، ص ۴۴۴.

51. Matthieu Moreau-Cucchi, *La Responsabilité Civile de L'arbitre*. (Droit. Université Paris-Saclay, 2021), p. 472.

52. Jean-Yves Garaud, *La Responsabilité de L'arbitre*, (Paris: Association Déclarée, 2017), p. 35.

۵۳. بهرام تقی‌پور، «مسئولیت داور در حقوق ایران و برخی کشورها»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، ش ۵ (۱۳۹۳)، ص ۷۰-۷۶.

در حقوق ایران، ماده ۵۰۱ قانون آ.د.م در خصوص مسئولیت داور رویکردی مشابه با آنچه در حقوق فرانسه پذیرفته شده است، دارد. به طور کلی هرگاه داور از تعهدات حرفه‌ای خود بر اساس موافقت‌نامه داور، توافق طرفین با داور، مقررات آیینی حاکم بر داور و یا تعهداتی قانونی تخلف کند، مسئول خسارات وارده خواهد بود.^{۵۴} براین اساس، تقصیر داور در عدم افشا می‌تواند موجب مسئولیت مدنی وی شود. این حکم بر اساس عموماً، قابل تسری به داورهای بین‌المللی است.

۲. تعهد داور به تحقیق و شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال

داور علاوه بر تعهد به افشا، موظف است نسبت به شناسایی عواملی که ممکن است در نگاه طرفین بر بی‌طرفی و استقلال او اثرگذار باشد، تحقیق به عمل آورد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۲. مفهوم و آثار تعهد به شناسایی

تعهد داور به شناسایی این عوامل از لوازم و مقدمات تعهد به افشا محسوب می‌شود. با توجه به نقش بنیادین اصل بی‌طرفی و استقلال که از وظایف اصلی داور در فرایند رسیدگی است، داور باید در حد معقولی نسبت به شناسایی عوامل و روابط پیشینی که ممکن است این اصل را تحت تأثیر قرار دهد اقدام کند. این تکلیف با این پیش‌فرض که یک داور حرفه‌ای همواره در هنگام قبول داور به بررسی وجود یا نبود تعارض منافع اهتمام می‌ورزد، تقویت می‌شود و فرض چنین خواهد بود که داور از روابط پیشینی خود با طرفین مطلع است یا بر اساس قواعد حرفه‌ای باید از آن مطلع باشد. بر این اساس، داور ملزم به تحقیق در این موارد است تا در آینده تقصیری متوجه او نشود.^{۵۵}

در رویه قضایی فرانسه در خصوص این تعهد رویکرد سخت‌گیرانه‌ای وجود دارد و صرف انجام بررسی اولیه از وجود تعارض منافع، اگر به شناسایی و افشای این موارد منجر نشود، به معنای عمل داور به تعهد خود نبوده، عدم توفیق داور در شناسایی این موارد نمی‌تواند به عنوان

۵۴. همایون مافی، «مفهوم و قلمرو مسئولیت مدنی داوران»، تحقیقات حقوقی، ش ۶۶ (۱۳۹۳)، ص ۹۲.

55. Matthieu Moreau-Cucchi. *La Responsabilité Civile de L'arbitre*. (Droit. Université Paris-Saclay, 2021), p. 471.

دلیلی علیه طرفین مورد استفاده قرار گیرد و مانع از استناد آنان در آینده به این موارد شود. در نتیجه داور باید به بهترین شکل ممکن موارد تعارض منافع را شناسایی کند.^{۵۶} در مقابل در رویه قضایی امریکا رویکرد سهل‌گیرانه‌تری وجود دارد و لازم نیست داور در خصوص روابط گذشته خود تحقیقی همه‌جانبه داشته باشد، بلکه با تلاشی معقول - که از شخصی متعارف که قصد ایفای یک تعهد حقوقی را دارد - انتظار می‌رود نسبت به روابط، منافع و تماس‌های پیشین خود تحقیق به عمل آورد.^{۵۷}

باید توجه داشت که ممکن است وجود تعهد داور به تحقیق از عوامل مؤثر بر بی‌طرفی، مورد تردید قرار گرفته، گفته شود که داور موظف به رعایت بی‌طرفی و استقلال در رسیدگی و افشای هر موردی است که در دایره علم و آگاهی او امکان تأثیر بر بی‌طرفی را داشته باشد. در نتیجه، امکان شناسایی یک تکلیف عام مبنی بر جست‌وجو در خصوص چنین عواملی وجود ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد تعهد داور به افشا و استمرار این تعهد در طول رسیدگی به‌طور ضمنی وجود چنین تعهدی را آشکار می‌کند؛ چراکه اگر داور هیچ تلاشی برای شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال نکند، گویی تعهد به افشا را به‌درستی انجام نداده است.^{۵۸} به‌علاوه، تعهد به افشا اگر با تعهد به شناسایی همراه نشود، نتیجه این خواهد بود که تعهد به افشا نیز به غایت و هدف خود نخواهد رسید؛ زیرا با مخفی ماندن عوامل پنهان مؤثر بر تعارض منافع، امکان جرح داور و ابطال رأی داور در آینده وجود دارد و این امر بر کارایی و نهایی بودن رأی داور اثر نامطلوب خواهد گذاشت.

از نظر ضمانت اجرا نیز با توجه به اینکه تعهد به شناسایی از لوازم تعهد به افشاست، هرگاه داور اموری را که بر اساس معیار معقول و متعارف بودن باید از آن مطلع باشد افشا نکند، ادعای جهل او پذیرفته نشده، بر اساس تعهد به شناسایی چنین فرض می‌شود که او باید این موارد را شناسایی می‌کرده است. در نتیجه این عدم شناسایی به عدم افشا منجر شده، ضمانت‌های اجرای عدم افشا را به‌همراه خواهد داشت.

56. Cour D'appel de Paris, 5-16, 11 Janv, 2022, No. 19/19201.

57. *Karlseng v. Cooke*, 346 S.W. 3d 85, 97. (Tex. App. 2011).

58. Gary B. Born, *International Commercial Arbitration*, (New York: Kluwer Law International. 2020), p. 2880.

۲.۲. تعهد به شناسایی در قواعد داوری و فراملی

در قوانین داوری ملی بر تعهد به تحقیق و شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال تصریح نشده است؛ به‌خصوص با توجه به این نکته که این تعهد از ملزومات تعهد به افشا بوده و به‌نوعی در آن مستتر است. با این حال، در رویه قضایی کشورها به این تعهد اشاره شده است. برخی دادگاه‌ها در امریکا وجود چنین تعهدی را نپذیرفته‌اند^{۵۹} و برخی این تعهد را پایه تعهد به افشا دانسته، آن را ضروری ارزیابی کرده‌اند.^{۶۰} در حقوق فرانسه نیز این تعهد پذیرفته شده است.^{۶۱} در حقوق ایران نیز تصریحی به این تعهد دیده نمی‌شود، اما می‌توان همسو با دیدگاه حقوق دانان فرانسوی، چنین تعهدی را از لوازم تعهد به افشا برشمرد و داور را مقید به آن دانست.

در مقررات فراملی و نیز قواعد نهادهای داوری بیشتر از قوانین ملی به این تعهد داور توجه شده است. برای مثال، در بیانیه بی‌طرفی و استقلال که باید از سوی داوران در ICC به امضا برسد، داور متعهد می‌شود که «جست‌وجوی مقتضی»^{۶۲} را نسبت به عوامل مؤثر بر تعارض منافع و بی‌طرفی به‌عمل آورد. بند چهارم از ماده ۷ متن IBA نیز مقرر داشته که داور متعهد است به جست‌وجوی معقول و متعارفی نسبت به عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال اقدام کند؛ در صورتی که داور به این تعهد عمل نکند، عدم آگاهی داور به وجود این عوامل، توجیهی برای اینکه چنین فرض شود که داور تعهد به افشا را به‌درستی انجام داده است، نخواهد بود.

۳. تعهد طرفین به افشا

در قوانین ملی و قواعد داوری، در خصوص افشای عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال تکلیف صریحی برعهده طرفین گذاشته نشده است. در نتیجه، این خود داور است که باید چنین عواملی را افشا نماید و یا طرفی که از وجود این عوامل مطلع شده است و آن را به ضرر خود می‌داند، نسبت به جرح داور اقدام کند. با این حال، افشای این موارد از سوی طرفین خالی از فایده

59. *Karlseng v. Cooke*, 346 S.W.3d 85, 97 (Tex. App. 2011).

60. R. Travis Jacobs, "Arbitrator or Private Investigator: Should the Arbitrator's Duty to Disclose Include a Duty to Investigate - *Abudullah E. Al-Harbi v. Citibank, N.A. and Citibank, A.S.*", J. Disp. Resol. No. 1 (1997), p. 140.

61. Matthieu Moreau-Cucchi, *La Responsabilité Civile de L'arbitre*. (Droit. Université Paris-Saclay, 2021), p. 471.

62. Due Enquiry.



نخواهد بود؛ چراکه فرصت بحث و تعیین تکلیف، وجود چنین عواملی را در ابتدای فرایند رسیدگی فراهم کرده، مانع از طرح بعدی موارد جرح یا ابطال رأی داور خواهد شد. چنین رویکردی همسو با تعهد طرفین به رعایت حسن نیت آیینی^{۶۳} در طول رسیدگی خواهد بود^{۶۴}. بر همین مبنا در اصول راهنمای IBA که در سال ۲۰۲۴ اصلاح شد، در بند نخست ماده ۷ مقرر شده است که طرفین نیز دارای تعهد به افشا هستند. این تعهد شامل افشای روابط مستقیم و غیرمستقیم داور با هر طرف، یا سایر شرکت‌های زیرمجموعه هر طرف و یا ارتباط داور با شخصی است که دارای منافع مستقیم در نتیجه داوری است.

در مجموع به نظر می‌رسد چنین الزامی به عنوان یک تعهد حقوقی با ضمانت اجرا، قابل تحمیل به طرفین نباشد؛ چراکه تعهد به افشا در ادامه تعهد به بی‌طرفی و استقلال و به عنوان یک تعهد ثانویه جهت تضمین این دو امر مورد پذیرش قرار گرفته است. طرفین اختلاف تکلیفی به بی‌طرفی نداشته، به دنبال منافع خود از طرح دعوا هستند و در نتیجه ملتزم ساختن آنان به افشا تاحدی چالش برانگیز خواهد بود. از نظر عملی نیز افشای مناسبات قبلی می‌تواند به خلع سلاح طرف مقابل برای جرح داوران در آینده منجر شود. هرچند ریسک جرح داوران در همان مقطع آغازین داوری و تأخیر در فرایند رسیدگی را متوجه طرف افشاکننده خواهد کرد.

۴. تعهد طرفین به تحقیق و شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال

علت الزام داور به افشای تعارض منافع این است که طرفین از این وضعیت مطلع شوند و در صورتی که هر طرف بر این عقیده باشد که تعارض منافع موجود بر فرایند رسیدگی بی‌طرف و مستقل اثرگذار خواهد بود، نسبت به جرح داور اقدام کند. پرسشی که وجود دارد این است که آیا خود طرفین نیز تکلیفی در این زمینه دارند و می‌توان بر این عقیده بود که آنها نیز باید در هنگام نصب داور یا اطلاع از نصب او، درخصوص وی تحقیق کرده، عوامل مؤثر بر تعارض منافع را شناسایی کنند؟ در اصول راهنمای IBA به این پرسش پاسخ مثبت داده شده است. در بند دوم از

63. Procedural Good Faith.

۶۴. بی‌بی فاطمه برومند؛ مرتضی شهبازی‌نیا و اصغر عربیان، «حسن نیت آیینی طرفین داوری (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۲۴ (۱۳۹۹)، ص ۱-۲۴.

ماده ۷ مقررات پیش گفته آمده است که طرفین باید جست و جوی معقولی^{۶۵} نسبت به وجود عوامل مؤثر بر تعارض منافع به عمل آورند.

در حقوق فرانسه، این تکلیف طرفین با عنوان تعهد به کسب اطلاع^{۶۶} یا تعهد به کنجکاوی^{۶۷} شناخته می شود. چنین تعهدی در قانون آ.د.م.ف ذکر نشده، اما در رویه قضایی مورد شناسایی قرار گرفته است. برای مثال، دیوان عالی کشور فرانسه در رأیی بیان داشته است که هرگاه بتوان چنین فرض کرد که طرفین باید از تعارض منافع آگاه می بودند و می توانستند از طریق جست و جوی متعارف و معمولی به وجود عوامل مؤثر بر بی طرفی و استقلال پی ببرند، شناسایی و افشای این عوامل برعهده طرفین خواهد بود^{۶۸}. در رأی دیگری نیز گفته شده است که طرفین باید حداقلی از کنجکاوی را نسبت به وجود عوامل مؤثر بر تعارض منافع از خود نشان دهند^{۶۹}. ضمانت اجرای این تعهد نیز این خواهد بود که طرفین بر اساس ماده ۱۴۵۶ قانون آ.د.م.ف صرفاً در فاصله سی روز پس از تشکیل دیوان دآوری امکان جرح داور را خواهند داشت و در آینده امکان استناد به کشف چنین عواملی و محاسبه مدت سی روزه جهت جرح وجود نخواهد داشت؛ چراکه در همان زمان نصب داور به طریقی سهل و متعارف امکان کسب اطلاع درخصوص تعارض منافع را داشته اند.

توجیه بارکردن چنین تعهدی به طرفین نیز این خواهد بود که طرفین ملزم شوند تا درحد متعارف و معقول در همان آغاز فرایند دآوری نسبت به روابط پیشینی داوران تحقیق کنند و اگر عاملی مؤثر بر تعارض منافع وجود داشته باشد، در همان ابتدا مورد شناسایی و رسیدگی قرار گیرد. باید توجه داشت که به لحاظ عملی مسئله جرح داور می تواند از طریق تکنیک های تأخیراندختن، بهانه ای برای طرفی که بر این باور است که بازنده دآوری خواهد بود ایجاد کند که در اواخر رسیدگی و یا حتی پس از صدور رأی، مبادرت به جرح داور با ادعای کشف تعارض منافع کند. حال با الزام او به انجام یک تحقیق حداقلی در ابتدای فرایند دآوری، می توان جلوی

65. Reasonable Enquiries.

66. Obligation de S'informer.

67. Devoir de Curiosité.

68. Cour de Cassation, Civile, Chambre Civile 1, 19 Décembre 2018, 16-18.349.

69. Cour de Cassation, Civile, Chambre Civile 1, 29 Novembre 2023 (Les Parties Devant Faire Preuve d'un minimum de Curiosité.).

چنین سوءاستفاده‌هایی را گرفت.^{۷۰} به‌علاوه تعهد به حسن نیت و همکاری در فرایند داوری نیز مستلزم اعمال حدی از توجه کافی و جست‌وجو جهت کشف عوامل مؤثر بر تعارض منافع است؛ به‌گونه‌ای که گفته شده است اینکه یکی از طرفین در مواردی که امکان دسترسی و کسب اطلاع وجود دارد، تصمیم به تجاهل بگیرد، نوعی سوءاستفاده از آیین خواهد بود^{۷۱} و احتمالاً به جرح داور و در صورت صدور رأی، به ضرر چنین شخصی تمام خواهد شد.

بر این اساس، این تعهد طرفین بیشتر مبتنی بر جلوگیری از سوءاستفاده از آیین و نیز نقش آنان در همکاری جهت پیشبرد داوری است؛ برخلاف تعهد داوران در این زمینه که مبتنی بر نقش فعال آنان در تضمین رسیدگی بی‌طرف و مستقل است. این تفاوت مبنایی در تعیین دامنه تعهد هر طرف بسیار مؤثر خواهد بود.

۵. ارزیابی نقش داور و طرفین در شناسایی و افشای عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال

بر اساس نکات پیشین، آشکار شد که داوران متعهد به شناسایی موارد تعارض منافع و افشای آن بوده، طرفین نیز ملزم به شناسایی این عوامل جهت اعمال حق بر جرح داوران هستند. مسئله‌ای که باید در این بخش به آن پرداخته شود، تحلیل نقش و اولویت تعهد طرفین و داوران در شناسایی این عوامل است.

۱.۵. اولویت تعهد داور به افشا و شناسایی نسبت به تعهد طرفین

اگرچه تضمین یک رسیدگی بی‌طرف و مستقل و در چارچوب قانون و حسن نیت، مستلزم همکاری تمامی مشارکت‌کنندگان در فرایند داوری است، اما نباید تردید کرد که داور دارای تکلیفی جدی‌تری در این زمینه است. در نتیجه، افشا و شناسایی عوامل مؤثر بر تعارض منافع، در وهله اول متوجه داور خواهد بود. این نتیجه معلول چند امر است. نخست آنکه استقلال و بی‌طرفی، تعهد و التزامی است که متوجه داور است و لوازم تأمین آن که در اینجا تعهد به افشا و

70. Jérôme Ortscheidt, Christophe Seraglini, *Droit de L'arbitrage Interne et International*, (Paris: LGDJ, 2019), No. 746.

71. Indépendance et Impartialité de L'arbitre: le Devoir de Révéler de L'arbitre Éclipsé. (n.d.). https://jusletter.weblaw.ch/fr/juslissues/2013/706/_11170.html__ONCE&login=false.

شناسایی است نیز باید متوجه داور شود و مسئولیت طرفین در این زمینه محدود به عدم سوءاستفاده از آیین و منع استفاده از تاکتیک‌های تأخیری در شناسایی عوامل مؤثر بر تعارض منافع خواهد بود. دوم اینکه شناسایی اطلاعات و اوضاع و احوال پیشینی قطعاً برای داور در قیاس با طرفین، آسان‌تر خواهد بود؛ چراکه این عوامل با سوابق فعالیت او دارای ارتباط هستند. درحالی طرفین داوری باید نسبت به روابط داور و طرف دیگر تحقیق به عمل آورند که نسبت به آن طرف، ثالث محسوب شوند. سوم اینکه هرچه تعهد طرفین به شناسایی این عوامل، سنگین تر باشد، ضمانت اجرای آن نیز سنگین تر خواهد بود. این مسئله ریسکی را متوجه طرفین می‌کند که مدیریت بهینه آن برای آنان دشوار خواهد بود؛ چراکه شناسایی عوامل تعارض منافع در مدت کوتاه آغازین دیوان داوری، نیازمند بررسی‌های جامعی بوده که انجام آن برای طرفین، دشوار و گاه غیرممکن است. در نتیجه، داور از مقطع زمانی نصب و تا پایان فرایند داوری موظف به بررسی و افشای حداکثری عوامل مؤثر بر تعارض منافع است؛ آن‌چنان که در قوانین داوری نیز بر جریان این تعهد از زمان نصب تا پایان جریان داوری تأکید شده است.^{۷۲} علت استمرار تعهد داور از نظر زمانی تا پایان جریان داوری نیز این است که داور متعهد به انجام فرایند داوری به شکل منصفانه، مشروع و قانونی است و تعهد به بی‌طرفی و استقلال و مستلزمات آن با توجه به نقش داور در حل و فصل اختلاف، همواره برعهده داور خواهد بود. در مقابل، طرفین صرفاً در مقطع زمانی نصب داور و تشکیل دیوان داوری و با هدف استفاده از حق بر جرح خود یا محدودسازی حق بر جرح طرف مقابل باید اقدامات لازم در زمینه شناسایی و افشای عوامل مؤثر را انجام دهند.

از طرفی نمی‌توان طرفین را از انجام هر نوع جست‌وجویی در این زمینه معاف کرد. گاه روابط پیشینی داور و طرفین آشکار و به آسانی قابل دسترسی است و یک جست‌وجوی حداقلی، تکلیفی منطقی برای طرفین و مقدمه‌ای لازم جهت اعمال حق جرح آنان خواهد بود؛ به‌خصوص اینکه اساساً در شیوه داوری، انتظار از طرفین حد معقولی از همکاری جهت پیشبرد سریع و حرفه‌ای حل و فصل اختلاف بر مبنای اصل حسن نیت و همکاری به عنوان اصول راهبردی دادرسی و به‌ویژه داوری است.

۷۲. ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران: «داور باید از موقع انتصاب به عنوان داور و درطول جریان داوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تأخیر به طرفین اطلاع دهد.»

در نتیجه نکات یادشده، می‌توان دو محدودیت مهم بر دامنه تعهد طرفین در شناسایی و افشای عوامل مؤثر بر تعارض منافع در مقایسه با تعهد مطلق داور بار کرد که به‌طور ویژه در رویه قضایی فرانسه مورد توجه قرار گرفته است. نخست، محدودیت تعهد طرفین به شناسایی مقطع زمانی پیش از تشکیل و نیز ابتدای تشکیل دیوان دآوری است و دوم، محدودیت تعهد طرفین به شناسایی عوامل مؤثر بر تعارض منافع در فرضی که این اطلاعات آشکار و یا از منابع دردسترس قابل اکتساب باشد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲.۵. محدودیت تعهد طرفین دآوری از نظر زمانی

مقطع انتخاب داوران و تشکیل دیوان دآوری و مهلت جرح داوران نیز که از زمان تشکیل دیوان دآوری محاسبه می‌شود، دارای اهمیت ویژه‌ای است و باید تعهدات طرفین را در دو مقطع زمانی پیش و پس از آن بررسی کرد. برخلاف داوران که تعهد آنان به شناسایی و افشای عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال به نحو مستمر جریان داشته و از ملزومات وظیفه و نقش شبه قضایی آنان است، تعهد طرفین در این زمینه صرفاً در خصوص حق بر جرح بوده، دارای محدودیت زمانی است و طرفین همچون داوران ملزم به شناسایی و افشا در تمام طول رسیدگی نیستند.

۱.۲.۵. پیش از تشکیل دیوان دآوری

در مقطع زمانی پیش از تشکیل دیوان دآوری، یعنی تا پیش از انتخاب داوران و نیز قبول دآوری از سوی آنان، هم داور و هم طرفین مکلف به جست‌وجو و تحقیق در خصوص عوامل مؤثر بر تعارض منافع هستند. این تعهد در خصوص داوران- آن‌چنان که پیش‌تر نیز بحث شد- بر این مبنا استوار است که داوران باید در هنگام قبول دآوری عوامل مؤثر بر بی‌طرفی خود را افشا کنند؛ در نتیجه و برای عمل به این تکلیف باید تا پیش از قبولی و یا هم‌زمان با امضای اعلامیه قبول دآوری، عوامل مؤثر بر تعارض منافع را شناسایی نمایند تا بتوانند این موارد را افشا سازند.

طرفین اختلاف نیز پیش از تشکیل دیوان دآوری موظف به انجام تحقیق و تفحص در خصوص داوران بوده، عدم شناسایی موارد تعارض منافع در این مقطع می‌تواند مانع از طرح این

موارد در آینده شود. ضرورت این تکلیف بر این مبنا استوار است که با توجه به قوانین ملی داوری و قواعد داوری سازمانی که مهلت مشخصی از زمان تشکیل دیوان داوری در اختیار طرفین قرار می‌دهد تا پس از اعلام اسامی داوران مبادرت به جرح آنان کنند، طرفین باید برای استفاده از این حق خود، درحد متعارفی اقدام به بررسی روابط پیشین داوران کنند؛ به‌خصوص با توجه به این نکته که نظم حاکم بر آیین داوری بر این مسئله تأکید دارد که موضوع جرح داوران باید در همان ابتدای تشکیل دیوان داوری حل‌وفصل شود.

۲.۲.۵. پس از تشکیل دیوان داوری

پس از تشکیل دیوان داوری و شروع فرایند رسیدگی، تعهد داور به شناسایی و افشا همچنان باقی می‌ماند. این استمرار معلول تعهد داور به استقلال و بی‌طرفی است. در نقطه مقابل، معمولاً در مقررات و رویه‌های داوری، طرفین پس از شروع داوری دیگر تکلیفی درخصوص شناسایی و افشای تعارض منافع ندارند؛ درحالی که در مقطع نصب داوران، باید تحقیق لازم را به‌عمل آورند. درنتیجه اگر در حین رسیدگی، وضعیت تعارض منافع شکل گیرد، داوران باید در حد معقول نسبت به شناسایی و نیز به نحو مطلق نسبت به افشای آن اقدام کنند، اما طرفین ملزم به شناسایی و تحقیق نبوده، هر زمانی که از وجود چنین عواملی مطلع شوند، امکان جرح داور را خواهند داشت. علت این تفکیک نیز دراین نکته نهفته است شناسایی و افشای عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال از ملزومات حفظ مشروعیت و تمامیت آیینی رسیدگی است که از تکالیف داوران محسوب می‌شود، نه طرفین. درنتیجه طرفین صرفاً در مقطع معرفی داوران و تشکیل دیوان داوری باید جهت اعمال حق جرح خود، به شناسایی عوامل مؤثر بر تعارض منافع مبادرت کنند تا به لحاظ آیینی، مسئله جرح داوران، در مقطع زمانی ابتدایی داوری حل‌وفصل شود. اما چنین ملاکی در طول فرایند رسیدگی وجود ندارد. با این حال، نباید به شکل مطلق تعهد و مسئولیت طرفین اختلاف را در شناسایی و افشای عوامل مؤثر بر تعارض منافع نفی کرد. اگرچه تعهد اصلی در این زمینه متوجه داوران است، اما در برخی فرض‌ها، طرفین اختلاف نیز ممکن است نوعی الزام در این زمینه داشته باشند. برای مثال، هرگاه یکی از طرفین در طول رسیدگی متوجه عوامل مؤثر بر تعارض منافع شود، اما با تعمد نسبت به این موارد سکوت کند، برخلاف اصل حسن نیت عمل کرده، بعد از صدور رأی داوری قادر به جرح داور نخواهد بود؛ چراکه ملزم



ندانستن چنین شخصی به افشای عوامل مؤثر بر تعارض منافع، زمینه‌ساز سوءاستفاده از داوری و آیین آن خواهد بود و طرف مطلع از این عوامل می‌تواند موضوع را تا صدور رأی به تأخیر بیندازد و اگر رأی را به نفع خود ندید، مبادرت به جرح داور کند. از نظر آیینی نیز سکوت و عدم اقدام طرفین اختلاف می‌تواند تفسیر به رضایت یا اسقاط حق ایراد باشد و از این منظر نیز اقدام در زمان اطلاع و در حین رسیدگی شایسته‌تر است. بر این موارد باید تعهد به همکاری همه طرف‌های درگیر در داوری را افزود. بدیهی است که عدم اقدام طرفی که از عوامل مؤثر بر تعارض منافع اطلاع یافته است در زمان مناسب خود و طرح آن در مقطع پس از صدور رأی، می‌تواند هزینه و زمان زیادی را به طرفین تحمیل کند. بر همین اساس، در مواردی که یکی از طرفین در طول رسیدگی متوجه وجود عوامل مؤثر بر تعارض منافع می‌شود، بر اساس اصل حسن نیت و همکاری باید این موارد را افشا کند؛ در غیر این صورت، حق وی بر جرح در معرض سقوط قرار خواهد گرفت.

تقسیم‌بندی زمانی پیش‌گفته در رویه قضایی فرانسه مورد پذیرش قرار گرفته و در آرای قضایی تأکید شده است که تا پیش از تشکیل دیوان داوری و شروع فرایند رسیدگی، طرفین یک تکلیف حداقلی در خصوص تفحص و جست‌وجو نسبت به عوامل مؤثر بر تعارض منافع دارند.^{۷۳} اما پس از تشکیل دیوان داوری و شروع رسیدگی، این تعهد متوجه طرفین نخواهد بود.^{۷۴} این رویکرد به‌خوبی نشان می‌دهد که بار اصلی مدیریت تعارض منافع از جهت افشا و شناسایی متوجه داوران است. هرگاه افشای عوامل مؤثر بر تعارض منافع از سوی داور صورت نپذیرد، طرفین در طول رسیدگی به شیوه آسان‌تری قادر به جرح داور خواهند بود.^{۷۵} با این حال بر اساس نکات پیش‌گفته باید توجه داشت که رویکرد مطرح در رویه قضایی فرانسه در این خصوص باید تعدیل شود؛ چراکه اگرچه طرفین در طول رسیدگی یک تعهد مبنایی در خصوص شناسایی و افشای عوامل مؤثر بر تعارض منافع ندارند، اما در راستای حفظ حق جرح خود باید اقدامات لازم را در طول رسیدگی به‌عمل آورند؛ در غیر این صورت، امکان سقوط حق جرح آنان به دلیل عدم ایراد در زمان مقتضی یا سوءاستفاده از آیین وجود خواهد داشت. بله، تعهد به افشا و شناسایی در

73. Cour D'appel de Paris, 12 avr. 2016, n° 14/14884, Cour de Cassation, Civile, Chambre Civile 1, 19 Décembre 2018, 16-18.349.

74. Cour D'appel de Paris, 14 Octobre 2014, n° 13/03410.

75. Cour de Cassation, Civile, Chambre Civile 1, 31 Mars 2016, 14-20.396.

طول رسیدگی متوجه داور است، اما قواعد آیینی مرتبط با اعمال حق جرح عملاً طرفین را به افشا در طول رسیدگی ملزم خواهد کرد.

۳.۵. محدودیت تعهد طرفین به لحاظ موضوعی

با توجه به اینکه شناسایی و افشای اوضاع و احوال مؤثر بر بی طرفی وظیفه اولیه و اصلی داوران است، بدیهی است که تکلیف طرفین و داوران در این زمینه مشابه نخواهد بود. براین اساس دو قاعده در رویه های قضایی قابل استنباط و استفاده است.

۱.۳.۵. اماره عدم اطلاع طرفین

به عنوان یک قاعده و اصل، طرفین را نمی توان نسبت به وجود موارد تعارض منافع مطلع فرض کرد. علت نیز این است که هر طرف معمولاً به سوابق داور و نیز روابط احتمالی او با طرف دیگر یا وکیل او دسترسی نداشته و امکان تحقیق نیز در بسیاری از موارد وجود ندارد. برخلاف داور که می تواند نسبت به همکاری ها و روابط پیشین خود تحقیق کرده، موارد بعضاً پیچیده ای مثل همکاری با یکی از شرکت های تابعه گروه شرکت طرف دعوا و یا ارتباط مؤسسه حقوقی ای که داور در آن مشغول به کار است با آن شرکت ها نیز برای داور قابل شناسایی است. به همین علت است که عدم افشای این روابط یا اعلام نبود تعارض منافع از سوی داور، می تواند به نحو مشروعی موجب باور طرفین اختلاف به عدم وجود تعارض منافع و در نتیجه در ادامه فرایند داوری شود که البته نتیجه آن حفظ حقوق طرفین اختلاف برای جرح داور در فرض کشف این عوامل خواهد بود. دیوان عالی فرانسه در رأیی بیان داشته است که طرفین می توانند به اعلامیه عدم تعارض منافع داور اتکا کنند و چنین اعلامیه ای طرفین را از جست و جو در خصوص عوامل تعارض منافع معاف می کند.^{۷۶} این مسئله در رویه دادگاه حقوق بشر اروپا^{۷۷} در مواردی که بر اساس مقررات و صلاحیت این دادگاه، یکی از طرفین، عدم بی طرفی و استقلال داور را به عنوان نقض حق بنیادین رسیدگی منصفانه و بی طرفانه در این دادگاه مطرح کرده است، نیز قابل مشاهده است. برای مثال، در رأی *BEG SpA v Italy*، دادگاه یاد شده بیان داشته است که اعلام داور مبنی بر نبود هر نوع رابطه با طرفین موجب شده است تا فرض مشروعی در مورد

76. Cour de Cassation, Civile, Chambre Civile 1, 16 Décembre 2015, 14-26.279.

77. European Court of Human Rights.

عدم تعارض منافع در ذهن طرفین شکل گیرد و هیچ اماره‌ای نیز مبنی بر آگاهی طرفین درخصوص چنین مواردی قابل اثبات بر اساس مبانی و ادله نیست.^{۷۸}

۲.۳.۵. محدود بودن تعهد طرفین در تعهد به شناسایی به فرض اطلاعات قابل دسترسی و عمومی

با توجه به اماره عدم آگاهی و نیز تعهد مبنایی داور در تضمین رسیدگی بی‌طرف و مستقل که موجب بار شدن تعهد شناسایی و افشای تعارض منافع بر داور خواهد شد، تعهد طرفین به شناسایی عوامل مؤثر بر تعارض منافع محدود به جایی است که روابط قبلی یکی از طرفین با داور به آسانی قابل دسترسی یا شناسایی است. در چنین فرضی، داور مکلف به افشا نبوده، طرف متضرر آگاه فرض شده است و در صورتی که در مهلت اولیه پس از تشکیل دیوان داورى مبادرت به جرح داور نکند، حق بر جرح را ازدست خواهد داد. در نتیجه شناسایی اوضاع و احوالی که به راحتی قابل دسترسی است، تکلیف طرفین است.^{۷۹}

در رویه قضایی فرانسه، اطلاعات قابل دسترسی و عمومی، استثنایی بر تعهد داور به افشا شناخته می‌شود؛^{۸۰} به این معنا که داور الزامی به افشای این نوع اطلاعات نداشته، خود طرفین باید نسبت به آن کسب اطلاع کنند و چنین فرض می‌شود که طرفین نسبت به این موارد آگاه‌اند. در نتیجه در آینده با ادعای کشف چنین مواردی امکان جرح داور وجود ندارد. در پرونده موسوم به Tecnimont، یکی از طرف‌ها پس از رسیدگی داورى با ادعای کشف و دسترسی به اطلاعات جدیدی در خصوص روابط مؤسسه حقوقی مربوط به داور و طرف دیگر که از سوی داور افشا نشده بود، خواستار ابطال رأی داورى می‌شود. دادگاه تجدیدنظر پاریس ضمن ردّ دعوای ابطال بیان می‌دارد که اطلاعات مربوط به رابطه مؤسسه حقوقی یکی از داوران با طرف دیگر بر روی یکی از وبسایت‌ها موجود بوده، جزء اطلاعات قابل دسترسی برای عموم^{۸۱} محسوب می‌شود و خواهان می‌بایست در همان ابتدای نصب داوران، نسبت به آن جست‌وجوی لازم را به عمل

78. BEG SpA v Italy, Application no. 5312/11, 20 May 2021, Paras 138-139 & 149.

79. Eric Loquin. "L'essor de L'obligation de Curiosité des Parties au Moment de la Constitution du Tribunal Arbitral". RTDCom. *Revue Trimestrielle de Droit Commercial et de Droit Économique*, No. 04 (2018), p. 842.

80. L'exception de Notoriété.

81. Les Informations Notoires.

می‌آورد.^{۸۲} در مورد دیگری، ارتباطات وکلای یکی از طرفین با سرداور که مرتبط با شرکت در کنفرانس‌های دانشگاهی بوده، جزء اطلاعات آشکار و قابل دسترس دانسته شده است.^{۸۳} در پرونده دیگری، وکیل یک طرف به طرف دیگر اطلاع می‌دهد که داور نصب‌شده پیش‌تر نیز در یکی از پرونده‌های مرتبط با موکل وی به‌عنوان داور انتخاب شده است. طرف مقابل به‌رغم این افشا، در قرارنامه داورى به تشکیل صحیح و منظم دیوان داورى اذعان می‌کند. اما پس از مدتی به استناد یک گزارش خبری در اینترنت، متوجه می‌شود که موضوع پرونده قبلی با پرونده فعلی مرتبط بوده، طبق گزارش یادشده، رسیدگی به شکل واضحی به نفع طرف مقابل بوده است. ردّ دعوی جرح داور در این پرونده، طبق نظر دیوان عالی فرانسه بر این مبنا استوار می‌شود که در دسترس بودن اطلاعات مربوط به داورى قبلی و عدم اقدام فوری خواهان برای جرح داور منجر به ایجاد اماره اسقاط حق جرح می‌شود. در نتیجه، طرف دیگر باید همان ابتدا تحقیق کافی را به‌عمل می‌آورد.^{۸۴}

افزون بر این، یکی از تعهدات مهم طرفین اقدام و واکنش سریع^{۸۵} نسبت به عوامل زمینه‌ساز جرح داور است که مبتنی بر حکم ماده ۱۴۶۶ قانون آ.د.م.ف بوده، در رویه قضایی مورد تأکید قرار گرفته است.^{۸۶} بر اساس این تعهد، طرفین باید به محض اطلاع از تعارض منافع و در چارچوب مدت اولیه تعیین‌شده از تشکیل دیوان داورى، به جرح داور مبادرت کنند. هدف نیز عدم طرح چنین مسائلی در مراحل پایانی داورى یا پس از صدور رأی است. به این ترتیب، هرگاه اطلاعات ناظر بر تعارض منافع به‌آسانی قابل دسترسی باشد، تعهد طرفین به سرعت عمل در اقدام، مقتضی است که طرفین خود نسبت به کسب اطلاع اقدام و در مهلت اولیه مبادرت به جرح داور کنند. بر این اساس، طرفین حتی در فرضی که داور مواردی را افشا کند باید نسبت به صحت‌سنجی و ابعاد موارد افشاشده و اثر آن بر بی‌طرفی داور اقدام مقتضی به‌عمل آورند که یکی از روش‌های آن، انجام بررسی و تحقیقات در حد معقول است.^{۸۷}

82. Cour D'appel de Paris, Pôle 1 - Chambre 1, 12 Avril 2016, n° 13/22531.

83. Cour D'appel de Paris, 13 Mars 2008, n° 06/12878.

84. Cour de Cassation, Civile, Chambre Civile 1, 15 Juin 2017, 16-17.108.

85. Devoir de Réaction Rapide.

86. Cour de Cassation, Civile, Chambre Civile 1, 19 Décembre 2018, 16-18.349.

87. Geneviève Augendre, Loyauté et Impartialité de L'arbitre, Colloque Loyauté et Impartialité en Droit des Affaires|La Base Lextenso. (n.d.). <https://www.labase-lextenso.fr/gazette-du-palais/GP20120524004>.

باید توجه داشت، در رویه قضایی فرانسه بر این نکته تأکید شده است که نمی‌توان انتظار داشت تا طرفین به نحو نظام‌مند به بررسی منابع و جمع‌آوری اطلاعات در خصوص داوران یا وکلا مکلف شوند^{۸۸}. بر این اساس، معیاری که از رویه قضایی فرانسه به دست می‌آید، «دسترسی آسان به منبع»^{۸۹} است. در صورتی که اطلاعات مؤثر بر تعارض منافع در چنین منابعی قابل دسترس باشد، تعهد طرفین به تحقیق بر تعهد داور به افشا غلبه خواهد داشت و البته تعهد طرفین به شناسایی نیز محدود به مراجعه به همین منابع است. بر همین اساس، تعهد طرفین به تحقیق را یک تعهد حداقلی^{۹۰} دانسته‌اند^{۹۱}. توجیه این امر نیز دشوار نیست، چراکه هر طرفی که دسترسی بیشتر و ساده‌تری به اطلاعات دارد باید تکلیف جدی‌تری در این زمینه داشته باشد و بدیهی است که داور می‌تواند به شکل بهتری به شناسایی موارد مؤثر بر تعارض منافع مبادرت نماید. به علاوه باید به محدودیت زمانی موجود برای طرفین که مثلاً در قواعد داوری ICC ۱۵ روز و در حقوق فرانسه ۳۰ روز از زمان تشکیل دیوان داوری برای جرح داور تعیین شده است توجه داشت و طرفین را به تحقیقات گسترده و زمان‌بر مکلف نکرد^{۹۲}.

اینکه مفهوم دسترسی آسان چگونه باید تعریف شده، مصادیق آن تعیین شود، همچنان محل بحث است. در برخی آرا از عبارت دسترسی آسان به نحو معقول و متعارف استفاده شده است^{۹۳}. به هر روی این امر باید در هر پرونده به طور جدا مورد بررسی قرار گیرد. در یک پرونده، دادگاه نتیجه گرفته است که صرف وجود اطلاعات بر روی وبسایت متعلق به داور، به معنای در دسترس بودن اطلاعات نیست؛ زیرا طرفین باید لینک‌ها و بخش‌های متعددی از وبسایت داور را بررسی می‌کردند تا به این اطلاعات دست یابند. در مقابل، در پرونده دیگری، وجود اطلاعات در خصوص پرونده‌های قبلی داور در یک کتاب راهنما و سالنامه دلیل بر در دسترس بودن این

88. Cour D'appel de Paris, 14 Octobre 2014, n° 13/03410.

89. L'accessibilité Aisée de la Source.

90. Devoir Minimum D'investigation.

91. Jérôme Ortscheidt, Christophe Seraglini, *Droit de L'arbitrage Interne et International*, (Paris: LGDJ, 2019), No. 746.

92. Claire Debourg, *Obligation de Révélation de L'arbitre et Obligation de S'informer à la Charge des Parties : un Équilibre Encore Perfectible*. (n.d.). Arbitrage-Médiation-Conciliation | Dalloz Actualité. <https://www.dalloz-actualite.fr/flash/obligation-de-revelation-de-l-arbitre-et-obligation-de-s-informer-charge-des-parties-un-equili>.

93. Cour D'appel de Paris, Pôle 5 Chambre 16, 17 Mai 2022, n° 53/2022.

اطلاعات ارزیابی شده است.^{۹۴} باید توجه داشت که دو معیار «آشکار بودن روابط قبلی» و «قابلیت دسترسی آسان به منابع»، جداگانه‌اند؛^{۹۵} اگرچه ملاک مشترکی بر این دو حاکم است و آن، امکان آگاهی طرفین بر تعارض منافع از طریق جست‌وجوی سهل و متعارف است، اما برخلاف مورد اول که به علت آشکار بودن می‌توان فرض کرد که طرفین نسبت به آن آگاه هستند، مورد دوم مستلزم انجام تحقیقات و بررسی منابع است.

نکته قابل توجه اینست که اگرچه در آرای پیش‌گفته آمده است که در فرض وجود اطلاعات آشکار و قابل دسترس، داور مکلف به افشا نیست؛ اما رویکرد صحیح‌تر آن است که علاوه بر تکلیف طرفین به تحقیق، داور حتی درچنین فرضی نیز مکلف به افشا باشد. هدف از افشا و شناسایی، مدیریت تعارض منافع در نقطه آغازین شروع داوری با هدف جلوگیری از ابطال رأی داور است. در صورتی که داور همه موارد آشکار و غیرآشکار را افشا نکند، همچنان ریسک طرح دعوی ابطال به علت جرح داور وجود خواهد داشت؛ به‌خصوص اینکه معیارهای ناظر بر استثنای اطلاعات آشکار و قابل دسترس دارای مفهومی مبهم است. به‌علاوه هیچ دلیلی وجود ندارد که داور برخی مسائل را افشا نکرده، یا به شکل مبهمی افشا کند و در نتیجه احتمال طرح بعدی چنین مواردی در آینده باقی بماند.^{۹۶}

نتیجه

تعهد به افشا به معنای التزام داور به اعلام اوضاع و احوالی است که بر اساس معیار شخصی یا عینی ممکن است موجب ایجاد تردیدهای معقولی در بی‌طرفی و استقلال داور برای طرفین داوری شود. از ملزومات چنین تعهدی، تعهد به شناسایی این عوامل از سوی داور است. در مقابل، طرفین به‌عنوان قاعده، تعهدی به افشای موارد مؤثر بر تعارض منافع ندارند، اما متعهد به شناسایی چنین عواملی هستند. این تعهد به‌عنوان مقدمه اعمال حق جرح و نیز منع سوءاستفاده

94. Claire Debourg, Limites de L'obligation de Révélation de L'arbitre : Premières Précisions de la CCIP-CA. (n.d.). Procédure Civile | Dalloz Actualité. <https://www.dalloz-actualite.fr/flash/limites-de-l-obligation-de-revelation-de-l-arbitre-premieres-precisions-de-ccip-ca>.

95. Eric Loquin. "L'essor de L'obligation de Curiosité des Parties au Moment de la Constitution du Tribunal Arbitral". RTDCom. Revue Trimestrielle de Droit Commercial et de Droit Économique, No. 04 (2018), 842.

۹۶. البته باید به نکته مهمی توجه کرد و آن، اثر جانبی منفی افشای بسیار گسترده است. گاه افشای هر نوع رابطه کم‌اهمیتی در گذشته می‌تواند موجب بهانه‌جویی طرفی که نفعی در پیشبرد فرایند داوری ندارد، شود و جرح‌های پیوسته داوران را به‌همراه داشته باشد.

از آیین به منظور آشکار شدن مسیر داوری و نتیجه نهایی و جرح داور در صورت عدم رضایت از چنین نتیجه‌ای است.

در مقایسه تعهد داور و طرفین در خصوص شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال، نتایج زیر قابل ارائه است:

۱- با توجه به تعهد داوران به رسیدگی منصفانه و قانون‌مدارانه، وظیفه اصلی در خصوص شناسایی و افشای عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال و نیز دسترسی آسان‌تر داوران به شناسایی عوامل تأثیرگذار، متوجه داوران بوده، این تعهد از مقطع زمانی نصب داور تا پایان جریان داوری استمرار دارد.

۲- طرفین نیز با توجه به اینکه از حق بر جرح برخوردارند و باید در پیشبرد داوری همکاری لازم را به عمل آورده، از حق خود به شکل کارآمدی استفاده کنند، متعهد به شناسایی و افشای عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال هستند.

۳- با وجود تعهد به شناسایی و افشا برای طرفین و داوران و با توجه به تفاوت مبنای این دو تعهد، باید قائل به تفاوت‌هایی بود؛ با این توضیح که برخلاف داوران که برای تضمین رسیدگی مشروع باید به‌طور جدی و در همه مقاطع داوری، عوامل مؤثر بر بی‌طرفی و استقلال را شناسایی و افشا کنند، تعهد اصلی طرفین در این زمینه محدود به ایجاد زمینه اعمال حق بر جرح است. با این حال، طرفین نیز برای حفظ حق بر جرح خود و در راستای اصل حسن نیت، همکاری و منع سوءاستفاده از آیین باید در صورت اطلاع از چنین عواملی، آن را افشا سازند، در غیر این صورت ممکن است حق بر جرح ساقط شود.

۴- در خصوص تبیین تفاوت این دو تعهد، در این پژوهش از معیارهای مطرح‌شده در رویه قضایی فرانسه استفاده شده و مهم‌ترین تفاوت قابل پذیرش عبارت است از اینکه طرفین صرفاً مکلف به شناسایی مواردی هستند که یا بسیار آشکار بوده، یا از طریق منابعی که به آسانی در دسترس‌اند، قابل شناسایی باشد. در صورتی که اطلاعات مربوط به تعارض منافع در مقطع زمانی نصب داور و تشکیل دیوان داوری به آسانی قابل

دسترسی باشد، طرفین نسبت به این موارد آگاه فرض شده، در صورت عدم اقدام فوری، نمی‌توانند بر اساس آن در آینده خواستار جرح داور یا ابطال رأی دآوری شوند.

چنین رویکردی ضمن تأکید بر تعهد داوران بر افشا که تعهدی بنیادین در راستای تأمین مشروعیت دآوری از طریق حفظ بی‌طرفی و استقلال است، طرفین را نیز به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی دآوری، موظف به جست‌وجو و تحقیق متعارف و معقول نسبت به وضعیت و روابط داوران می‌کند و موجب نقش‌آفرینی همه طرف‌های درگیر در دآوری جهت تضمین بی‌طرفی و استقلال و نیز کاهش امکان ابطال رأی دآوری می‌شود. افزون بر این، با ایجاد یک تعادل منطقی بین تعهدات داوران و طرفین که بر نقش هریک از این دو مبتنی است، وظایف و ریسک‌ها را به شکل بهینه‌ای تقسیم می‌کند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- مقاله‌ها

۱. برومند، بی‌بی فاطمه؛ شهبازی‌نیا، مرتضی و عربیان، اصغر (۱۳۹۹). حسن‌نیت آیینی طرفین داوری (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس). *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۴(۴)، ۱-۲۴.
Doi: 20.1001.1.22516751.1399.24.4.1.5
۲. تقی‌پور، بهرام (۱۳۹۳). مسئولیت داور در حقوق ایران و برخی کشورها. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۵(۱)، ۵۷-۸۷.
Doi: 10.22059/jcl.2014.51528
۳. تقی‌پور، بهرام (۱۳۹۵). تعهد به افشا در حقوق داوری تجاری بین‌المللی و داخلی. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۶(۳)، ۳۸۱-۳۹۸.
Doi: 10.22059/jlq.2016.58993
۴. خدری، صالح (۱۳۹۴). دادرسی منصفانه در داوری تجاری بین‌المللی. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۶(۲)، ۵۱۹-۵۴۰.
Doi: 10.22059/jcl.2015.55774
۵. شمس، عبدالله و بطحائی، سید فرهاد (۱۳۹۶). معیار تشخیص استقلال و بی‌طرفی داور. *تحقیقات حقوقی*، ۲۰(۷۷)، ۳۹-۶۵.
۶. مافی، همایون (۱۳۹۳). مفهوم و قلمرو مسئولیت مدنی داوران. *تحقیقات حقوقی*، ۱۷(۶۶)، ۸۱-۱۱۱.
۷. مافی، همایون و فلاح، مهدی (۱۳۹۲). تعارض منافع در داوری بین‌المللی با تأکید بر اصول راهنمای کانون بین‌المللی وکلا، *سازمان‌های بین‌المللی*، ۱(۲)، ۱۶۱-۱۸۰.
۸. مافی، همایون؛ قوامی، بهزاد؛ محمدی، سام (۱۴۰۱). استقلال و بی‌طرفی داور در داوری‌های بین‌المللی با تکیه بر آرای قضایی. *تحقیقات حقوقی*، ۲۵(۹۷)، ۳۹-۶۶.
Doi: 10.22034/jlr.2020.184771.1569
۹. مافی، همایون (۱۳۹۷). *تشریح بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران*. تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
۱۰. محمدی‌نژاد، سمیرا؛ غریبه، علی و پاشازاده، حسن (۱۴۰۰). محدودیت‌های آزادی طرفین در

تعیین قانون حاکم بر آیین داوری تجاری بین‌المللی. *مطالعات حقوقی تطبیقی معاصر*، ۱۲(۲۴)، ۱۳۷-۱۶۹.
Doi: 10.22034/law.2021.41025.2683

ب) منابع انگلیسی

- Books

11. Born, Gary B. (2020). *International Commercial Arbitration*. New York: Kluwer Law International.
12. Gaillard, Emmanuel (1999). *Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial*, New York: Kluwer Law International.
13. Mistelis, Loukas A. (2015). *Concise International Arbitration*. New York: Kluwer Law International.
14. Oldenstam, Robin; Löf, Kristoffer; Alexander, Foerster; Azadeh Razani; Fredrik Ringquist; Aron Skogman (2019). *Concise Guide to Arbitration in Sweden*, Stockholm: Mannheimer Swartling Advokatby.
15. Ortscheidt, Jérôme & Seraglini Christophe (2019). *Droit de L'arbitrage Interne et International*, Paris: LGDJ.
16. Racine, Jean-Baptiste (1999). *L'arbitrage du Commerce International et L'ordre Public*. Paris: LGDJ.
17. El-Kosheri, Ahmed Sadek & Youssef, Karim A. (2007). *L'indépendance des Arbitres Internationaux: le Point de Vue D'un Arbitrer*. Paris: ICC
18. Jean-Yves, Garaud (2017). *La Responsabilité de L'arbitre*. Paris: Association Déclarée.

- Articles

19. Boussofara, Anissa (2020). Les Conflits D'intérêts Dans L'arbitrage International. *Infos juridiques, La Revue du Droit*, 298 (299). 18-27.
20. Cohen, Daniel (2021). Indépendance des Arbitres et Conflits D'intérêts, *Revue de L'arbitrage: Bulletin du Comité Français de L'arbitrage*, 1 (3), 600-645.
21. Gaillard, Emmanuel (2011). Commentaire Analytique du Décret du 13

Janvier 2011 Portant Réforme du Droit Français de L'arbitrage, **Cahiers de L'arbitrage**, 0401 (2), 263-310.

22. Hascher, Dominique (2015). Les perspectives Françaises Sur le Contrôle de la Sentence Internationale ou Étrangère, **Revue de Règlement de Différends de McGill**, 1 (2), 1-16.
23. Jacobs, Travis (1997). Arbitrator or Private Investigator: Should the Arbitrator's Duty to Disclose Include a Duty to Investigate - Abudullah E. Al-Harbi v. Citibank, N.A. and Citibank, A.S., **J. Disp. Resol**, 1997 (1), 133-142.
24. Loquin, Eric (2018). L'essor de L'obligation de Curiosité des Parties au Moment de la Constitution du Tribunal Arbitral. **Revue Trimestrielle de Droit Commercial et de Droit Économique**, 2018 (04), 842- 873.
25. Saint-Martin & Constance Castres (2018). Les Conflits D'intérêts en Arbitrage Commercial International, **Revue de Droit International**, 2018 (1), 170-182.

- Dissertations

26. Moreau-Cucchi, Matthieu. **La Responsabilité Civile de L'arbitre**. Université Paris-Saclay, 2021.
27. Schurmans, Marie. **L'indépendance et L'impartialité de L'arbitre: Entre Apparence et Réalité**. Faculté de Droit et de Criminologie, Université Catholique de Louvain. 2017.

- Websites

28. Indépendance et Impartialité de L'arbitre: le Devoir de Révéler de L'arbitre Éclipsé. (n.d.). https://jusletter.weblaw.ch/fr/juslissues/2013-/706/_11170.html__ONCE&login=false.
29. Limites de L'obligation de Révélation de L'arbitre: Premières Précisions de la CCIP-CA. (n.d.). Procédure Civile | Dalloz Actualité. <https://www.dalloz-actualite.fr/flash/limites-de-l-obligation-de-revelation-de-l-arbitre-premieres-precisions-de-ccip-ca>.
30. Loyauté et impartialité de l'arbitre, colloque loyauté et impartialité en droit des affaires | La base Lextenso. (n.d.). <https://www.labase-lextenso.fr/gazette-du-palais/GP20120524004>.

31. Obligation de révélation de l'arbitre et obligation de s'informer à la charge des parties : un équilibre encore perfectible. (n.d.). Arbitrage - Médiation - Conciliation | Dalloz Actualité. <https://www.dalloz-actualite.fr/flash/obligation-de-revelation-de-l-arbitre-et-obligation-de-s-informer-charge-des-parties-un-equili>.